

«ظاهراً خدا و پیغمبر و جبرئیل و تمامی ملائک دست به هم دادند و قسم خوردند که ترا از تخت شوکت و شرافت فرود آورند و بر خاک مذلت و فقر و مسکنت بنشانند. الحمد لله الذی صدقنا وعده. مشتی عرب بیابانی اجرای فوری این پیمان را بر عهده گرفتند. تخت پادشاهی و آبادی مملکت و امنیت و تمدن آن و تربیت و صداقت و شجاعت و کرامت طبیعت ترا بر باد فنا دادند. جوانان ترا اسیر کردند و زنان را دستگیر. پیران و مغان و دبیران و موبدان را مانند گوسفند سر بریدند و بر میدان مذلت هشتند. شهرهایت را خراب کردند و آبادیهایت را بیابان، و اموالت را به غارت بردند. مختصر ترا به آن روز سیاهی نشانیدند که وعده داده بودند، و چنان پریشان کردند که شاید اگر دانشمندان بنی آدم دو هزار سال دامن همت به کمر زنند تا ترا از غرقاب هلاکت نجات دهند نتوانند.»^۱



در تاریخ همه مذاهب بزرگ، معتقدات سنتی ریشه دار و جاافتاده ای وجود دارند که در درازای قرون، هم برای پیروان خود این مذاهب و هم برای دیگران بصورت واقعیهایی بیچون و چرا مورد قبول قرار گرفته اند. بخشی از این بیچون و چرایی طبعاً مربوط به مساهیت خود این آیین ها است که این معتقدات را مستقیماً با آسمان و با قوانین ثابت و ابدی آن پیوند میزنند، ولی بخشی دیگر مربوط بدین است که پیروان این مذاهب از روزی که زبان باز میکنند تا روزی که خاموش میشوند اصولاً چیزی در جهت خلاف این معتقدات سنتی نمیشنوند تا احياناً تردیدی در باره اصالت آنها به خاطر راه دهند. و باوجود این دیر یا زود وقتی فرا میرسد که شواهدی مسلم نشان میدهند این معتقدات با همه ریشه دار بودن خود و با همه «آسمانی» دانسته شدنشان پایه های چندان استواری نداشته اند.

نمونه ساده ای از این واقعیت را در تورات میتوان یافت که در

۱ - میرزا آقاخان کرمانی در «سه مکتوب»، چاپ آلمان، ۱۳۶۶

طول قرون، از جانب یهودیان و از جانب مسیحیان، همه کتابهای ۲۴ گانه آن نوشته خود پیامبرانی دانسته میشدند که این کتابها نام آنانرا دارند، ولی بررسیهای مستند قرن روشنگری نشان داد که تقریباً هیچکدام از آنها نه توسط پیامبرانی نوشته شده اند که نامشان بر آنها نهاده شده است، و نه اساساً در زمان خود این پیامبران نوشته شده اند، بطوریکه امروزه بصورت یک واقعیت مسلم تاریخی در هر دائرة المعارف و دیکسیونر معتبری میتوان خواند که فلان کتاب تورات مربوط به فلان پیمبر، در عمل فلان مدت بعد از او نوشته شده است، همچنانکه گاه میتوان خواند که اساساً موجودیت چنین نبی مورد تردید است، و اتفاقاً یکی از همین پیامبرانی که موجودیتشان شدیداً مورد چنین تردیدی است مهمترین آنها یعنی خود موسی است.^۱ موردی مشابه مورد انجیل عیسی است که همه مسلمانان در طول قرون بر مبنای کتاب آسمانی خود آنرا کتابی دانسته اند که همانند قرآن بر عیسی نازل شده است، در صورتیکه انجیل مسیحیان نه یک کتاب واحد است، نه خود عیسی هرگز مدعی دریافت آن شده یا از آن سخنی گفته یا اساساً تصویری از کتابت آینده آن را داشته است. انجیلهای چهارگانه نیز توسط چهار نفری نوشته شده اند که احتمالاً هیچکدام عیسی را بچشم ندیده اند، و تازه خود این چهار انجیل نیز در بسیاری از موارد با یکدیگر نمیخوانند.

۱ - کتاب پر سر و صدایی بنام *The Bible Unearthed* نوشته استاد اسرائیلی *Israel Finkelstein* رئیس انستیتوی باستان شناسی دانشگاه تل آویو، و *Neil Asher Silberman* استاد آمریکایی و رئیس بخش تاریخ مرکز باستان شناسی و میراث فرهنگی بلژیک که این روزها در امریکا انتشار یافته، براساس بررسیهای باستان شناسی پنجاه سال گذشته مدعی شده است که هیچیک از آنچه در عهد عتیق در باره پیغمبران اسرائیل و ماجرای خروج قوم یهود از مصر و سابقه تاریخی اورشلیم آمده، اصولاً وجود خارجی نداشته و همه آنها ساخته و پرداخته گروه کاهنانی است که در قرن هفتم پیش از میلاد از جانب یوشیا *Josias* پادشاه وقت سرزمین «یهودا» مأمور تلویین کتابی بمنظور ساختن سابقه ای تاریخی و مذهبی برای قوم یهود شدند، و آنان بخشهای مختلف این کتاب را از روی اسطوره ها و افسانه های کهن بین النهرین و مصر و فنیقیه و کنعان گردآوری کردند و در کنار هم گذاشتند و مجموعه ای بنام تورات را بوجود آوردند.

در مورد قرآن و محمد، این پرسشها مطرح نیستند، زیرا که هم در وجود پیامبری بنام محمد از نظر تاریخی تردیدی نیست، هم تاریخ زندگی و فعالیت او تقریباً به روشنی معلوم است، و هم قرآن از زمان خود او وجود داشته و شناخته شده بوده است. در عوض، اگر چنین پرسشهایی مطرح نیستند، پرسشهای دیگری در ارتباط با محمد و قرآن مطرحند که در مورد تورات و انجیل مطرح نبوده اند و اهمیت آنها مسلماً کمتر از اهمیت پرسشهایی که در مورد تورات و انجیل مطرح شده اند نیست.

آنچه بخصوص در ارتباط با اسلام مطرح است، برداشت های مربوط به ضوابط زیربنایی دوران هزار و چهار صد ساله این آیین است، زیرا تقریباً همه این محققان بر این همدستانند که واقعیت های تاریخی این دوران با آنچه بطور سنتی در طول قرون در این باره روایت شده است و امروز نیز میشود تطبیق نمیکنند. از این دیدگاه، میباید تاریخ واقعی اسلام را به دو بخش مجزا تقسیم کرد، که اولی شامل سالهای خود محمد است، و دومی شامل دوران ممتد بعد از محمد، و این دو دوران نه تنها هماهنگ با یکدیگر نیستند و در مسیر واحدی قرار ندارند، بلکه در بسیار موارد درست جہتی خلاف همدیگر دارند. این دوگانگی اصولی را (که بعداً در باره آن با تفصیل بیشتری گفتگو خواهیم کرد) میتوان چنین خلاصه کرد که در دوران ۲۳ ساله اسلام خود محمد، چه در سالهای سیزده گانه مکه و چه در ده ساله مدینه، وی همواره خود را رسولی از جانب خداوند برای هدایت قوم مشرک عرب به یکتاپرستی دانست، به همان صورت که پیش از او موسی برای یهود و عیسی برای نصاری فرستاده شده بودند، و در هیچ شرایطی صحبت از رسالتی جهانی برای خود بمیان نیاورد، زیرا اصولاً در هیچیک از آیینهای توحیدی سامی برداشت آیین جهانی و پیامبر جهانی جایی نداشت و این اندیشه ای است که برای آنها بکلی ناشناخته بود، منطق اصولی این هر سه آیین این بود که هر قومی میباید پیامبر خاص خود را داشته باشد، و این منطق نه تنها در آیین یهود بصورتی آشکارا نمودار است، بلکه در انجیل های آیین

مسیحیت نیز منعکس است که در آنها عیسی بارها رسالت خویش را منحصرآ بازگردانیدن گوسفندان راه گم کرده اسرائیل به گله خود دانسته است. مورخ نامی قرن بیستم Arnold Toynbee که بحث جامعی را در «بررسی تاریخ» خود بدین موضوع اختصاص داده است توضیح میدهد که اندیشه جهانی کردن مسیحیت فقط بعد از مرگ عیسی توسط حواریونی پا گرفت که از سرزمین یهود به امپراتوری رم رفتند و در آنجا زمینه را در نزد توده های محروم و سرخورده جامعه اشرافی این امپراتوری برای نشر پیام انقلابی خود مساعد یافتند. با اینهمه قاطعانه ترین تأکیدها را در راستای این اصل پیامبری قومی و نه جهانی، در خود قرآن میتوان یافت، که در آن از آغاز تا انجام، به مناسبتهاهای مختلف و در آیات مختلف، تصریح شده است که خداوند برای هدایت هر قومی رسولی را از میان مردم همان قوم به نزدشان میفرستد تا آنها را با زبان خودشان به راه رستگاری بخواند و از رفتن به راه شرک برحذر دارد. این قانون از نظر قرآن چنان قاطعیت دارد که در آن تصریح شده است که حتی برای قوم جن نیز قبلاً رسولی از خودشان فرستاده شده است (انعام، ۱۳۰)، و «اگر قرار بود ملائکه هم در زمین قرارگاهی داشته باشند در آنصورت خداوند بر آنان نیز فرشته ای را از میان خودشان به رسالت میفرستاد» (اسرا، ۹۵).

در آیات متعدد دیگر در همین قرآن، تصریح شده است که محمد پیامبری است که از میان قوم عرب به رسالت برای این قوم فرستاده شده است. در دو آیه از قرآن با صراحتی باز هم بیشتر، این رسالت دعوت مردم ام القری و پیرامون آن به توحید و ترک بت پرستی اعلام شده است (شوری، ۷ و انعام، ۹۳).

خود قرآن نیز چنانکه در آیاتی متعدد بر آن تأکید نهاده شده است از این رو به زبان عربی نازل شده است که درک آن برای قوم عرب ممکن باشد. در یکی از این آیات تصریح شده است که اگر قرآن به زبانی عجمی فرستاده نشده، برای این است که کتابی برای عرب است و نه عجم (فصلت، ۴۴).

در خطبه معروف حجة الوداع که پیامبر اندکی پیش از درگذشت خود در ذی الحجه سال ۱۰ هجری خطاب به ده ها هزار نفر از همراهان آخرین سفر حج خود ایراد میکند، وی با تذکر نهایی بخشی از مهمترین قوانین اسلام، بطلان کلیه خون‌سایی را که در دوران جاهلیت ریخته شده اعلام میدارد، مکه را شهر حرام میخواند و خونریزی در آنرا ممنوع میکند، مال و جان مسلمانان را بر یکدیگر حرام میکند، گرفتن ربا را بهر صورت که باشد تحریم میکند، سنت نسی را که بموجب آن اعراب برای تطبیق دادن دهم ذیحجه (روز حج) با سال خورشیدی یازده روز به سال قمری میافزودند نفی میکند و ماههای قمری را تنها تقویم مجاز اسلامی می‌شمارد، بر حرمت چهار ماه رجب و ذیقعد و ذیحجه و محرم که در طول آنها جنگ و خونریزی ممنوع است تأکید میگذارد، و پس از یک سلسله اوامر و نواهی دیگر، با استناد به سومین آیه سوره مائده که «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا» اعلام میدارد که او در این روز رسالت خود را با کامل کردن دین اسلام و شمول آن بر همه مسلمانان بانجام رسانیده است، و خدا را از این بابت شکر میگوید، بی آنکه در سرتاسر این خطبه بسیار مهم سخنی از اینکه میباید این دین از راه جهاد به بیرون از سرزمین عرب نیز گسترش یابد بمیان آید، کما اینکه در آیه خود قرآن نیز چیزی در این زمینه گفته نمیشود، در صورتیکه اگر چنین قراری در میان میبود، محمد در مهمترین خطبه دوران رسالت خود نمیتوانست آنرا نادیده بگیرد و اسلام را به کمال رسیده و نعمت خداوند را بر مسلمانان تمام شده و رسالت خود را انجام یافته اعلام کند.

بخش دوم تاریخ اسلام، یعنی اسلام بعد از محمد، دورانی است که اسلام نه به عنوان یک دین، بلکه تنها به عنوان یک ابزار تبلیغاتی برای مشروعیت دادن به جهش جهانگشایی و غنیمت گیری عرب از جانب دستگاه خلافت به کار گرفته میشود، و

ریشه این تحول اصولی را میباید در عصیانی جست که بلافاصله پس از درگذشت محمد تقریباً سراسر عربستان را فرا گرفت و در تاریخ اسلام از آن به نام «رده» یاد میشود، و در کتاب حاضر فصل مستقلی بدان اختصاص داده شده است.

واقعیتی که عموم پژوهشگران تاریخ اسلام بر آن همداستانند این است که محمد پیش از مرگ نابهنگام خویش هیچ رهنمودی، نه کتبی و نه شفاهی، در باره برنامه های آینده برای جانشینان خویش نگذاشته بود، زیرا که بیگمان هنوز احتمال مرگ نزدیکی را برای خویش نمیداد. ولی خروج غیرمنتظره او از صحنه، راه را بر عصیان ها و ارتدادهای سراسری که با احتمال بسیار در صورت زندگی وی امکانی برای بروز آنها در پیش نیامد گشود و دستگاه خلافتی که با شتاب و از طریق بند و بست ها و بده و بستانهای اضطراری به جانشینی او نشسته بود خود را ناگهان با خطر سقوطی حتمی روبرو یافت که تنها با نیروی نظامی و با سرکوبگریهایی بسیار بیرحمانه توانست از آن جلوگیری کند. ولی همین ماجرای خونین بدین جانشینان فهماند که اگر تدبیری برای فرونشاندن نارضایی بادیه نشینان مغلوب شده اندیشیده نشود، خطر آنکه عصیان آنان هر لحظه از سر گرفته شود همچنان بساقتی خواهد ماند. راه آزموده شده ای که در این مورد برای اینان وجود داشت این بود که شور جنگجویی و بخصوص عطش غنیمت طلبی و غارتگری سنتی این بادیه نشینان ناآرام را به جایی در بیرون از مرزهای سرزمین خشک و بی آب و علف خودشان منحرف کنند، تا از این راه هم آنان را به غنیمت های مورد دلخواهشان برسانند و هم آرامش داخلی را برای خلافت نوحاسته محفوظ نگاه دارند. غارتگریهایی که بدین ترتیب در خاک همسایگان مستقیم عرب صورت گرفت، نخست با سلسله ای از شبیخون ها و زد و خوردهای کوچک در مرزهای ایران آغاز شد که هرچند پیش از آن نیز کم یا بیش سابقه داشت، ولی این بار همبستگی بیشتر غارتگران و ضعف فراوانتر غارت شدگان ابعاد

تازه ای بدانها بخشید، و همین سلسله شیخون ها و غارتها بود که در طول چند سال، چنانکه به تفصیل در «سالنامه های اسلام» Leone Caetani مورد ارزیابی قرار گرفته است، سر از جنگهای تمام عیاری بنام قادسیه و جلولا، برآورد، و خرده غارتگریهای سنتی به بزرگترین غنیمت گیری همه تاریخ اعراب، یعنی تاراج بیدریغ تیسفون و گنجینه های افسانه ای آن منجر شد که طبق افسانه ای از جمله آن افسانه هایی که بعداً ساخته شد، محمد در زمان زندگی خود تصرف آنها را به مؤمنین خویش وعده داده بود.



بسیاری از محققان متذکر شده اند که برخلاف آنچه خود دستگاه خلافت ادعا کرد و بعداً در جریان عمل از جانب تقریباً همه کارگردانان دستگاه بر آن تأکید نهاده شد، منطق شمشیر منطق بنیادی اسلام نبوده بلکه یک منطق تاکتیکی و آنسهم برای مدت زمانی معین بوده است، زیرا در ۱۳ سال اول رسالت محمد در هیچیک از آنچه در مکه توسط وی گفته و نوشته شد مطلقاً صحبتی از شمشیر و جنگ بمیان نیامده است. در آن بخش از قرآن نیز که به این مدت مربوط میشود و بخش مکی قرآن شناخته شده است، با آنکه ۸۶ سوره از سوره های ۱۱۴ گانه قرآن یعنی بیشتر از سه چهارم تمام سوره ها و ۴۶۱۷ آیه از ۶۲۳۶ آیه کلی قرآن، یعنی بیشتر از هفتاد درصد همه آیه ها را شامل میشود، حتی یکبار از آن شمشیرکشی که بعداً مأموریت مقدس سعدبن ابی وقاص در حمله به ایران دانسته شد سخنی آورده نشده است. تنها در بخش دیگر قرآن یعنی بخش مدنی آن است که صحبت از قتال و گردن زدن و دست و پا بردن بمیان آمده است، و این بخش که تنها سه دهم سوره ها و آیه های قرآن را شامل میشود بخشی است که عمدتاً به مبارزات جامعه نوپای اسلامی با دشمنان قریشی این جامعه و قبایل متحد این قریشیان اختصاص دارد. در باره این چرخش بنیادی از موعظه به شمشیر و از «لااکراه فی الدین» به «اقتلوهم حیست ثقتموهم» در

شرایطی که وضع جامعه آنروزی عربستان چنین تحول ناخوشایندی را بصورتی الزامی درآورده بود، بررسیهای فراوانی توسط پژوهشگران صورت گرفته که فشرده‌هایی از آنها در فصول بعدی کتاب حاضر منعکس شده است و در این صفحات محدود نه جای آن است و نه ضرورتی که جداگانه بدانها اشاره شود. آنچه بعکس میباید مورد تذکر خاص قرار گیرد این است که همه آنچه در سوره‌های مدنی قرآن در ارتباط با این شمشیرکشی‌ها و قتال‌ها آمده است مربوط به جنگهای شخص پیامبر در سالهای مدینه است و هر آیه‌ای از آیات ۳۱ گانه‌ای که بدین قتال‌ها مربوط میشود با جنگ مشخصی، و در همه شرایط با حضور شخصی محمد در آن جنگ در مقام رهبر و گرداننده آن ارتباط دارد، و شمول آن بر جنگهای جهانگشایانه بعد از محمد، مغلطه‌ای عمدی است که در تعبیر و تفسیر این آیات انجام گرفته است تا این شمشیرکشیهای تهاجمی را از مشروعیتی که میتوانسته است به شمشیرکشیهای غالباً تدافعی دوران خود محمد تعلق گیرد برخوردار سازد. در این مورد که آیه‌های قتال قرآن در دوران مدینه عمدتاً جنبه دفاعی دارند و نه تهاجمی، یعنی بیشتر به دفاع جامعه مسلمانان از خود در برابر حملات تهاجمی قریشیان مربوط میشوند تا به تهاجم خود مسلمانان، بخصوص بررسی جالبی را توسط Sir Thomas Arnold در کتاب *Preaching of Islam* او میتوان یافت.

ولی آنچه در این مورد از نظر ایران و تاریخ اسلامی آن مهمتر است این است که به هر حال آنچه در این دوران در داخل عربستان انجام گرفته است، خوب یا بد، به خود جزیره العرب و به مبارزات درونی آن مربوط میشود، و اصولاً به ایران ما ارتباطی ندارد تا در باره آن نیازی به بحث و بررسی در پیش آید، زیرا این ارتباط فقط از آنروز آغاز شد که جانشینان خودخوانده محمد به طمع «خزائن کسری» شمشیر تیز کردند و پای آن اسلامی را که در اصل به عزب و به شبه جزیره عربستان مربوط میشد به ایران و به متصرفات بیزانس کشاندند.

و تازه این «رزمندگان اسلام» اساساً پیام ناشناخته ای نداشتند که برای مردم زرتشتی یا مسیحی ایران و بیزانس به‌مراه بیاورند، آنهم در شرایطی که به ارزیابی مشروح Caetani اکثریت عظیم این بادیه‌نشینان خودشان هنوز مسلمان نبودند، و شمار اندکی از آنان نیز که ادعای مسلمانی داشتند از آئین نو فقط ایسن را میدانستند که بجایخدایان دروغین زمینی خدای ناپسندای واحدی را بنام الله به خدایی بشناسند که جایش در بتکده کعبه نیست و در آسمان است، و تنها چیزی که اینان از قرآن او میشناختند شعار بسم الله الرحمن الرحیم بود، زیرا این کسانی که همگی بیسواد بودند اساساً توانایی خواندن قرآن را نداشتند، و بفرض آنهم که داشتند، هنوز قرآن بصورت مدون در نیامده بود تا در دسترس آنان گذاشته شود.

و همین اسلام سفارشی شمشیر و غارت بود که چهارده قرن تمام بر جهان اسلامی سایه گسترد، بی آنکه از معنویت و فضیلتی که از همان آغاز از آن دریغ شده بود در دورانهای بعدی این چهارده قرن نشانی پدیدار شود. درست بالعکس در تمام این ۱۴۰۰ سال، از جانب همه خلافت‌های عرب و ترک، و همه دیگر حکومت‌های مملوک و چرکس و ارنائوت و وهابی جهان اسلامی، و همه بیضه داران بزرگوار دین، چه در بخش تسنن و چه در بخش تشیع آن، کوششی پیگیر در حفظ و تقویت همین اسلام ناصیل مبذول شد، زیرا منافع ریاست طلبی و سودجویی همه آنان تنها با چنین برداشتی از اسلام تأمین میشد. و بنام همین اسلام «سفارشی» شمشیر و غارت بود که در درازای ۱۴۰۰ سال، امپریالیسم‌های ویرانگر عرب و ترک و غز و سلجوقی و مغول و تاتار و قزلباش و ترکمن، یکی بدنبال دیگری در ایران زخم خورده ما شمشیر کشیدند و کشتند و چشم درآوردند و همه اینها را اجرای احکام «اسلام ناب محمدی» نامیدند.



ایران کهن ما، نخستین و بزرگترین قربانی امپریالیسم بیابانی تازه نفسی بود که خلافت عرب بر آن رنگ سبز مذهب زده بود، اما رنگ واقعی آن، مثل همه امپریالیسم‌های دیگر رنگ خون‌هایی بود

که شمشیرهای بادیه نشینان سعد وقاص را رنگین کرد.

در همه این ۱۴۰۰ سال، غارتگرانی که یا از بیابانهای خشک جنوبی آمده بودند و یا از استپ های سرد شمالی، و وجه مشترک جملگی آنها چادرنشینی و بی فرهنگی و راهزنی بود، خون مردمی را که یکی پس از دیگری به اسارت گرفتند ریختند و مالشان را بردند و اصالت روح و اندیشه آنان را به چالش گرفتند. تراژدی کشاکش هزار و چهار صد ساله فرهنگ باروری که روزگاری بر ستایش زندگی و بر سازندگی و آفرینندگی بنیاد نهاده شده بود و بدست اینان تبدیل به فرهنگ مرگ و عزای روضه خوانان و بهشت زهراسازان شد، با فرهنگ غیرایرانی عرب و ترک و قزلباش، از تلخ ترین تراژدیهای تاریخ ایران و همه تاریخ جهان است، زیرا احتضار دردناک فرهنگ والائی است که اگر هم هنوز نفسی برایش باقی مانده است، توانی برایش باقی نمانده است.

مسئلاً خود ملت ما نیز سهم خویش را در این تراژدی آفرینی بر عهده دارد، زیرا بیعدالتی های اجتماعی و تبعیضات طبقاتی و بخصوص خودخواهی ها و قدرت طلبی های آخوندان زرتشتی بود که به تعبیر Clément Huart مورخ نامی آغاز قرن بیستم اروپا، در خانه را بروی دزدان باز گذاشت. ولی گناه یک صاحبخانه در بازگذاشتن در خانه اش، بهرحال چیزی از گناه دزدانی که به تاراج خانه می آیند نمیکاهد. اگر جز این بود بر هیچیک از غارتگران شناخته شده تاریخ جهان، آتیلها، چنگیزها، محمود غزنوی ها، تیمورها، نادرها و بر conquistador های اسپانیائی و دیگر بنیانگذاران امپراتوریهای مستعمراتی کهن و نو نیز جای ایرادی نبود، زیرا که تقریباً همه آنها از باز بودن درهای خانه قربانیان خویش بهره گرفتند.

منافع مشترک همه کارگردانان تاریخ جهان اسلامی، از امیرالمؤمنین های ۱۴۴ گانه عرب و ترک آن که خود را جانشینان بلاعزل پیامبر عرب خواندند، تا پادشاهان و نیمچه شاهان و امیران و ایلخانان و اتابکان و ممالیکی که در طول ۱۴۰۰ سال بر این جهان پهناور حکم راندند و ده ها هزار بیضه دار بزرگ و کوچک دین که به

تعبیر صائب تبریزی بزرگی عمامه و قطر شکم را در جای فضیلت ناموجود گذاشتند و سراسر تاریخ اسلامی را بصورت یک سوپرمارکت دین فروشی و ریا و دروغ و تقریباً همیشه آمیخته با خون و مرگ و اختناق درآوردند، در همه این دوران بر این تمرکز یافته است که همه این شمشیرکشی ها و غارتگریها و دکانداریهای دین را بحساب آن اسلام ناب محمدی گذارند که احتمالاً خود محمد حتی تصویری از آنرا نیز نکرده بود، همچنانکه همه جنایتهای دو هزار ساله کلیسای مسیحیت بحساب آن ژنده پوش ساده دلی نهاده شد که حتی از شنیدن کلمه شمشیر نیز نفرت داشت.

رسالت ایران ما در همه تاریخ اسلامی خودش «نه» گفتن بدین فریبکاری ۱۴۰۰ ساله از همه راههای ممکن بوده است. امروزه نیز رسالت درهم شکستن این حلقه دوزخی، بیش از هر بخش دیگر این جهان اسلامی بر عهده نسل جوان همان کشوری است که شوم ترین آزمایش عصر حاضر این جهان، در کمتر از سه دهه پیش، بدست نسل پدران آن انجام گرفت.

کتابی که اکنون بدست شما میرسد، در هزار و چهار صدمین سالروز نبردی بنام جنگ نهاوند تألیف شده است که عرب آنرا فتح الفتوح نامید، زیرا در این جنگ نه تنها بر شاهنشاهی ساسانی، بلکه بر نیمی تمام از تاریخ ایران - و پرشکوه ترین و سرفرازترین نیمه آن - نقطه پایان گذاشته شد. چه بهتر که نقطه پایانی یک اسلام تقلبی نیز، که نه بدست خود بنیانگذار این آیین بلکه بدست سیاست بازان جانشین او، و نه بصورت یک مذهب بلکه بصورت سرپوش استعماری یک امپریالیسم چماقدار ساخته و پرداخته شد، در چنین سالروزی نهاده شود، یا لااقل زمینه آماده تری برای نهاده شدن چنین نقطه پایانی فراهم آید.

مفهوم این سخن مسلماً این نیست که بر خود آیین اسلام نیز در جامعه ما نقطه پایان گذاشته شود، زیرا کسه چنین سخنی نه منطقی است، نه واقع بینانه است و نه قانونی است. داشتن یا نداشتن مذهب، و آزادی انتخاب مذهب، از حقوق بی گفتگوی هر فرد بشری

است، و اصلی است که در اعلامیه حقوق بشر، یعنی در پیشرفته ترین منشور تاریخ تمدن انسانی به صراحت بر آن تأکید نهاده شده است، هر چند که در کشور خود ما، بسیار پیش از آن، در فرمان شاه بزرگ هخامنشی بهمین صورت بر آن تأکید نهاده شده بود. هیچ مجوزی سیاسی یا ایدئولوژیک نمیتواند داشتن یا نداشتن مذهبی را به کسی تحمیل کند، زیرا این امری کاملاً شخصی است که به رابطه معنوی انسان با خدای او مربوط میشود. آنچه واقعاً مطرح است این است که از این حق بهمانقدر که آزادانه استفاده میشود، آگاهانه نیز استفاده شود، و این چیزی است که در هیچیک از ادوار ۱۴۰۰ ساله شمشیرکشی و چماقداری تازیان و ترکان در ایران ما، حتی یکروز و حتی یکبار هم رعایت نشده است. اسلامی که بتواند در پایان چهارده قرن اختناق مذهبی به جامعه فردای ما عرضه شود، این بار، و برای نخستین بار در چهارده قرن، میباشد صورت یک مذهب داشته باشد و نه صورت یک ابزار سیاست و غارت، و نه در رویارویی با جهان دانش، بلکه در هماهنگی با آن و بعنوان مکمل معنوی مورد نیاز آن، درست بهمانصورت که اکنون مسیحیت به زادگان جهان غرب عرضه میشود.

بگذاریم اسلام سیاسی چماقداری که پس از چهارده قرن میداننداری، و با همه دست بریدنها و سنگسارها و حد زدن ها و تعزیرهایش جز موضع حقیرانه جهان سومی با توشه های گران فقر و جهل و بیماری و فساد و عقب ماندگی چیزی برای بیش از یک میلیارد پیروانش به همراه نیاورده است با جبر تاریخ به فراموشخانه همین تاریخ سپرده شود تا برای همین اسلام امکان آن فراهم آید که این بار در صورت یک مذهب و در تطبیق با الزامات انکارناپذیر تمدن و فرهنگ بشری، پا به میدان گذارد.



در باره همه آنچه در این فصل «سرآغاز» خواندید، در صفحات آینده کتاب توضیحات خیلی مبسوط تری خواهید خواند که همه آنها به همان شیوه کتاب «تولدی دیگر» بر مبنای بررسیهای

دویست ساله پژوهشگران سرشناس جهان غرب، و در عین حال نوشته های خود مورخان و مفسران جهان اسلامی نوشته شده است و من جانبگیری خاصی از طرف خودم در مورد هیچیک از آنها نکرده ام. ولی، برای پاسخگویی به خواست بسیاری از خوانندگان «تولد دیگری» که مؤکداً نظر خود مرا نیز در باره مسائل طرح شده خواستار شده اند، و در عین حال از این نظر که واقعاً در این مورد برای خود احساس وظیفه میکنم، فصل پایانی کتاب حاضر را بخلاف سایر فصول آن به گفتگویی دوجانبه میان خودم و خوانندگانم اختصاص داده ام، برای اینکه نظرات شخصی خویش را - که حاصل مطالعات و بررسیها و ارزیابی های سالیان دراز من است - با صراحت و صداقتی که هم خواست من و هم مسلماً خواست خوانندگان من است، بدون توجه به اینکه بیضه داران دستار بند یا بی عمامه دین در ارتباط با آن چه خواهند گفت و چه خواهند کرد، با آنان در میان گذاشته باشم، بی آنکه بهیچ صورت قصد قبولاندن پندارهای شخصی خودم را بدانان - که مسلماً هیچکدامشان کمتر از من «بالغ و رشید و عاقل» نیستند - داشته باشم...

فهرستی از یکصد کتاب «کلیدی» جهان خاورشناسی در ارتباط با محمد، اسلام، قرآن و جهانگشایی عرب که در تدوین کتاب حاضر مورد استناد قرار گرفته اند*

چنانکه در فصل سرآغاز گفته شد، از آغاز قرن نوزدهم تا پایان قرن بیستم کتابهای تحقیقی فراوانی در ارتباط با تاریخ مذاهب بطور کلی، و با آیین های مختلف این تاریخ بطور خاص (آیین های اساطیری، یهودی، مسیحیت، اسلام، زرتشتی، بودائی، برهمنی، میترائی، مانوی و...) در جهان غرب منتشر شده اند که شمار کلی آنها به چند هزار میرسد. از نظر نسبی، شمار کتابهای مربوط به مذاهب بزرگ، بهمان نسبت شماره پیروان این آیین ها، در درجه اول به جهان مشترک «یهودی - مسیحی» و در درجه بعد به جهان اسلام تعلق دارند.

همه این کتابها طبعاً دارای ارزش علمی و تحقیقی یکسانی نیستند، و بطور کلی در هیچ مورد شمار آثاری که جنبه «کلیدی» دارند، یعنی درهای تازه ای را بروی تحقیقات و آگاهی های مربوط به آیین های مورد ارزیابی گشوده اند از ارقام معدودی فراتر نمیروند. شاید نیازی بدین تذکر نباشد که مراد از این پژوهشها و ارزیابی ها، آنهایی هستند که صرفاً بصورت علمی و تحقیقی، بدون جانبگریهای عقیدتی یا عاطفی تعصب آمیز و جزمی و در خط کلی دانش عصر روشنگری توسط دانشمندانی انجام گرفته اند که تمدن امروزی ما، در آغاز هزاره سوم، دیدگاههای پیشرفته خویش را در همه زمینه ها، و جدا از دیدگاههای سنتی گذشته، مدیون آنها است.

تا آنجا که به موضوع کتاب حاضر مربوط میشود، در اینجا فهرستی از یکصد کتاب «کلیدی» مربوط به بررسیهای دوست ساله

* فهرست دیگر منابعی را که در نگارش کتاب حاضر مورد مراجعه بوده اند در کتابنامه پایانی کتاب خواهید یافت.

جهان غرب را که دنیای دانش امروز از طریق دانشگاه ها و آکادمی ها و سازمانهای علمی و تحقیقی خود بر اعتبارشان صحنه نهاده و آنها را مورد استناد و مراجعه دائمی خود قرار داده است، برحسب تقدم و تاخر تاریخ انتشار آنها و با توضیح کوتاهی در باره محتوایشان نقل میکنم تا کار مراجعه به اصل این مراجع را برای خوانندگان علاقمندی که مایل به چنین مراجعه ای باشند آسان تر کرده باشم.

در این راستا تذکر این نکته را ضروری میدانم که متأسفانه جای کتابهای ارزشمندی که در این زمینه توسط پژوهشگران برجسته روسی نوشته شده اند در این فهرست خالی است، زیرا خود من بسا زبان روسی آشنا نیستم و این کتابها نیز غالباً به زبانهای غیرروسی ترجمه نشده اند، ولی میتوانم از جمله این آثار از «محمد و ریشه های اسلام» M.N. Petrov ، «محمد» Soloviev . و بخصوص از سه کتاب «منابع تاریخ محمد» و «تاریخ آیین اسلام» و «تاریخ اعراب» A.E. Krymskii محقق سرشناس آغاز قرن گذشته روسیه که در عین حال مترجم بخشی از قرآن نیز بود، و از ترجمه و تفسیر متن کامل قرآن به زبان روسی توسط Yu. Krachkovskii در سالهای دهه ۵۰ اتحاد شوروی (که پس از مرگ مترجم آن بچاپ رسید) نام ببرم. اثر محقق معاصر روسی E.A. Belyaev بنام «اعراب، اسلام و خلافت عرب در قرون وسطی» که ترجمه انگلیسی آن در لندن و نیویورک بچاپ رسیده در فهرست حاضر منظور شده است. از دو اثر جامع دیگر از پژوهشگران سرشناس معاصر روسی بنام «اسلام در ایران» نوشته U.P. Petrushevskii و «تاریخ ایران از دوران باستانی تا سده هجدهم» اثر دسته جمعی چند خاورشناس روس که فصل جامعی از آن (نوشته A.U. Yakubovskii) به ایران و اسلام اختصاص دارد ترجمه های خوبی به فارسی توسط کریم کشاورز در سالهای پیش از انقلاب در تهران منتشر شده اند که شاید تنها نقطه ضعف آنها حواشی جانبگیرانه ای باشد که از دیدگاه یک شیعه متعصب بر اظهارنظرهای صرفاً علمی و تحقیقی پژوهشگرانی مارکسیست افزوده شده است.

* * *

پیش از آنکه فهرست این یکصد کتاب «کلیدی» را نقل کنم،

لازم میدانم بصورتی اختصاصی به معرفی اثری واقعاً استثنایی از میان آنها پردازم که از آغاز انتشار خود در نخستین سالهای قرن بیستم تا به امروز تقریباً به اتفاق آراء، از جانب دانشمندان خاورشناس غربی، معتبرترین اثر جهان خاورشناسی در رشته مطالعات اسلامی شناخته شده است، هر چند که متأسفانه، هم به علت حجم زیاد خود و هم بمناسبت نامأنوس بودن نسبی زبان ایتالیایی، در ایران ما تقریباً بکلی ناشناخته مانده است. این اثر، دوره ده جلدی *Annali dell'Islam* تألیف پرنس Leone Caetani ایتالیایی است که در طول بیست و دو سال (۱۹۰۴-۱۹۲۶) در شهر میلان به چاپ رسیده و چاپ تازه ای نیز از آن در سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۶ همزمان در هیلدسهایم آلمان و در نیویورک منتشر شده است.

لنونه کائتانی (۱۸۶۹-۱۹۳۵) عضو یکی از خانواده های کهن و بسیار سرشناس ایتالیایی است که از قرن دوازدهم مسیحی به بعد همواره در صحنه سیاسی و اجتماعی این سرزمین حضور مؤثر داشته است. پدر او شهردار رم و سناتور و وزیر امور خارجه ایتالیا بود و خودش عنوان های پرنس «تئانو» و دوک «سرمونه تا» را داشت، ولی خیلی زود از سیاست کناره گرفت تا خود را وقف فعالیتهای فرهنگی بخصوص در رشته خاورشناسی کند که مورد علاقه خاص او بود. در دوران تحصیلی خود هفت زبان از جمله فارسی و عربی را آموخت. سفرهای متعددی به ایران و هند و مصر و سوریه کرد و در طول سالها یکی از بزرگترین کتابخانه های شرقی را در اروپا برای خود فراهم آورد که در آخرین سالهای زندگانش آنرا به فرهنگستان ایتالیا *Accademia nazionale dei Lincei* اهدا کرد، و همزمان با آن انستیتوی مطالعاتی بزرگی را بنام بنیاد کائتانی بمنظور کمک به ادامه مطالعات اسلامی در این فرهنگستان با سرمایه شخصی خود تأسیس کرد که توضیحات مربوط بدان را در کتابی که خاورشناس دیگر ایتالیایی گسابریلی بنام «بنیاد کائتانی برای مطالعات اسلام شناسی» *La Fondazione Caetani per gli studi musulmani* (رم، ۱۹۲۶) منتشر کرده است میتوان یافت. کائتانی از سال ۱۹۰۰ تا هنگام درگذشت خود آثار تحقیقی

متعددی در ارتباط با جهان اسلام بچاپ رسانید که همه از معتبرترین کتابهای نوع خود بحساب آمده اند، ولی بزرگترین کار او چنانکه گفته شد، تدوین *Annali dell'Islam* است که در آن به شیوه تاسریخ طبری و تاریخ های مشابه آن، وقایع تاریخ اسلام از سال اول هجری بصورت سال به سال و در حد اعلا تحقیقی، بدون جانبگیری های موافق یا مخالف مذهبی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. انتشار این مجموعه از همان نخستین جلد آن که در آن نزدیک به یکهزار صفحه تنها به تاریخ سه ساله نخستین هجری اختصاص داده شده بود از نظر وسعت بیسابقه تحقیقاتی آن و فراوانی مراجع و اسناد و نحوه تازه ارزیابی های اجتماعی آن و بخصوص آنچه جهان خاورشناسی غرب آنرا «بازسازی تاسریخی» نام داده ستایش یکپارچه دانشمندان شرق شناس اروپا و امریکا و در درجه اول اسلام شناسان آنها را برانگیخت. از آن تاریخ ببعده هر چند سال یکبار جلد تازه ای از این سالنامه ها منتشر شد، بطوریکه تا سال ۱۹۲۶ ده جلد کامل از این مجموعه بچاپ رسیده بود.

بموازات انتشار این «سالنامه» ها، کاتسانی کتاب مشابه دیگری را بنام *Chronographia islamica* از سال ۱۹۱۲ ببعده در پاریس منتشر کرد که شامل تاریخ سال به سال کلیه سرزمینهای اسلامی با جنبه تحلیلی کمتر ولی با توجه بیشتر به جنبه تاریخی وقایع بود و از سال اول تا سال ۱۳۲ هجری (۶۲۲ تا ۷۵۰ مسیحی) را دربر میگرفت. از سال ۱۹۱۳ دست به انتشار مجموعه ای سومین از این نوع با عنوان *Chronografia generale dell'Oriente musulmano* (گاهشماری عمومی شرق اسلامی) زد که جلد اول آن وقایع سالهای ۱۳۳ تا ۱۳۴ هجری را شامل میشد، و عملاً مکمل مجموعه دیگری با عنوان *Studi di storia orientale* (پژوهش هایی در تاریخ مشرق زمین) بود که دو جلد اول و سوم آن در سالهای ۱۹۱۱ و ۱۹۱۴ در میلان بچاپ رسید. در سال ۱۹۲۳ کاتسانی با همکاری *Gabrieli* چاپ *دائرة المعارف عظیمی را بنام Onomasticon Arabicum* (بررسی در اسامی خاص عربی) در رم شروع کرد که جلد اول آن با آنکه بیش از

یکهزار صفحه داشت تنها بخشی از حرف A را شامل میشد، ولی عمر هیچیک از این دو نفر به ادامه این اثر غول آسای تازه کفاف نداد.

کائتانی در دوران زندگی و پس از مرگ خود مورد احترام فسران و مجامع علمی جهان عرب و بخصوص کشور مصر مرکز فرهنگی این جهان بود و بخشهای متعددی از آثار او در آن کشور ترجمه و چاپ شده است. چندین بار نیز وی سخنرانیهایی در دانشگاه های مصر ایراد کرد.

در باره اثر اصلی او (Annali) دائرة المعارف ایتالیایا Enciclopedia italiana چنین مینویسد: «کائتانی در این مجموعه عظیم، اضافه بر نقل کامل منابع مورد استناد خود در هر مسورد، در باره همه آنها به ارزیابی های جامعی نیز میپردازد و بر مبنای این ارزیابی ها در موارد مختلف مراحل گوناگون تکوین و تکامل آیین اسلام را بصورتی که غالباً غسیر از برداشتهای سنتی آنها است بازنویسی میکند. در مقام یک منقد دقیق و سختگیر، اصالت بخشش اعظم از روایاتی را که از دیدگاه او بسیار بعد از محمد در باره دوران اولیه زندگانی پیامبری او ساخته شده اند مورد انکار قرار میدهد و بموازات آن نقش عامل مذهب را در جهانگشایی های اعراب بسیار کمتر از آن میداند که مورخان مسلمان مدعی آن شده اند. بخصوص وی برای سنت بسیار کهن مهاجرت های ملل سامی در طول تاریخ (کلدانیان، بابلیان، اکدیان، آشوریان، فنیقیان، سریانیان، یهودیان، فلسطینیان) از زادگاه مشترک خود در عربستان به سرزمینهای پهناور و حاصلخیز خاورمیانه و خاور نزدیک با انگیزه های اقتصادی اهمیتی اساسی قائل است، زیرا جهانگشایی عرب را آخرین و مهمترین مسوج این هجومها میداند که تحولات ناشی از ظهور اسلام شرایط مساعدی را برای آن فراهم آورد. این تحلیل کائتانی با آنکه مخالفتهایی را نیز از جانب برخی از خاورشناسان به همراه آورده، تأثیر عمیقی در همه پژوهشهایی که بعد از انتشار این اثر در باره تاریخ باستانی اسلام صورت گرفته، بر جای گذاشته است.

برای اینکه خوانندگان از وسعت بررسیهای «سالنامه های اسلام» در باره وقایع تاریخی مربوط به نخستین چهل ساله دوران اسلامی که

دائرة المعارف ایتالیا بدانها اشاره میکند برداشتی کلیسی داشته باشند، کافی است تذکر داده شود که بخش مربوط به علل انحطاط شاهنشاهی ساسانی در این کتاب ۵۱ صفحه (ج ۲، بخش ۲، ص ۸۶۱-۹۱۲)، بخش مربوط به هجوم اعراب بدین شاهنشاهی و ارزیابی های مرتبط بدان ۸۵ صفحه (ج ۲، بخش ۲، ص ۹۱۲-۹۹۷)، بخش مربوط به جنگ قادسیه ۹۰ صفحه (ج ۳، ص ۶۲۹-۷۱۹)، بخش مربوط به جنگ جلولاء ۳۲ صفحه (ج ۳، ص ۷۲۰-۷۵۲) و بخش مربوط به جنگ نهاوند ۲۷ صفحه (ج ۴، ص ۴۷۴-۵۰۱) از کتاب را شامل میشود.

کانتانی در شرح وقایع نه تنها از کلیه منابع خبری شناخته شده جهان اسلامی، از ابن اسحاق و ابن هشام و ابن سعد و طبری و بعد از او (که مشخصات مجموع آنها را در فهرست کتابشناسی خود نقل کرده است)، بلکه بموازات آنها از تواریخ غیراسلامی همزمان با این آثار (بیزانسی، لاتینی، ارمنی، گرجی، سریانی، یهودی)، از نسخه های خطی غالباً منحصر بفرد کتابخانه های ملی برلین و پاریس و لندن و رم و اسکوریا، و از کتابهای تحقیقی پژوهشگران اروپایی ماقبل خود بطور وسیعی استفاده کرده است، بطوریکه گاه استنادهای مربوط به یک موضوع کم اهمیت چند سطر، دهها برابر خود موضوع شامل میشود. با اینهمه، ارزش خاص کار او بیش از وسواس در استناد به حداکثر مراجع و منابع، در این است که بجای اینکه به شیوه عمومی مورخان مسلمان تنها به نقل پشت سر هم وقایع اکتفا کند، در هر مورد به شیوه علمی امروزی به تجزیه و تحلیل روایات مختلف و برابر گذاشتن آنها با یکدیگر و ارزیابی های تاریخی و اجتماعی و نتیجه گیری از همه آنها میپردازد، و بدین ترتیب در بسیار موارد به نتایجی درست خلاف آن میرسد که پیش از او مسلم و تردیدناپذیر شناخته شده بودند.

بعنوان نمونه ای از اظهارنظرهای دانشمندان غرب در باره کتاب کانتانی، میتوان این گفته دانشمند بسیار سرشناس دیگر اروپای قرن بیستم در رشته مطالعات اسلامی، I. Goldziher را در مقدمه کتاب «درسهایی در باره اسلام» او نقل کرد:

«برای شناخت کاملتر اسلام، میباید شرایط و عواملی را که

بویژه در سالهای مدینه در این تحول بنیادین نقشی تعیین کننده ایفا کردند هر قدر ممکن باشد بیشتر و بهتر بشناسیم، و در اینجا است که میباید به اهمیت بیسابقه کاری که لئونه کانتانی در کتاب مافوق استثنایی و بی نظیر «سالنامه های اسلام»، در این راستا انجام داده است اشاره کنم، زیرا وی در این اثر عظیم، تمام مراجع موجود در تاریخ اسلام را مورد بررسی تطبیقی و انتقادی چنان گسترده ای قرار داده است که تا با امروز در هیچ اثر دیگر از هیچ محقق دیگری نظیر نداشته است، و حاصل این ارزیابی ارائه برداشتهای فراوان تازه ای در باره بسیاری از واقعتهایی است که تا پیش از آن بصورت واقعیتهایی مسلم پذیرفته شده بوده اند.^۱

۱ - پیش از قرن نوزدهم و آغاز انتشار پژوهشهای علمی و تحقیقی واقعی در باره پیامبر اسلام نیز کتابهای چندی در قرون هفدهم و هجدهم در ارتباط با زندگی و آئین محمد منتشر شده بودند که مشخصات شماری از آنها چنین است:
 زندگی و مرگ محمد The life and death of Mahomet، تألیف W. Raleigh، چاپ لندن، ۱۶۳۷.

زندگانی محمد Life of Mahomet، تألیف L. Adison، چاپ اکسفرد، ۱۶۷۸.
 زندگانی محمد، همراه با ترجمه قرآن La vie de Mahomet; traduction et compilation de l'Alcoran، تألیف و ترجمه A. Gagnier، چاپ آمستردام، ۱۷۳۱.

زندگانی محمد Vie de Mahomet، تألیف Comte de Boulainvilliers، چاپ پاریس، ۱۷۳۹. (ترجمه انگلیسی این کتاب، چاپ لندن، ۱۹۸۳ در لندن).
 یادداشتی در باره استقرار آیین و امپراتوری محمد Mémoire sur l'établissement de la religion et de l'empire de Mahomet، تألیف L.G. de Bréquigny، نشریه آکادمی سلطنتی خطوط و ادبیات فرانسه، چاپ پاریس، ۱۷۶۸.

تاریخ زندگانی محمد، قانونگذار عربستان Histoire de la vie de Mahomet législateur de l'Arabie، تألیف François-René Turpin، در سه جلد، چاپ پاریس، ۱۷۷۳.

در سال ۱۷۴۱ نمایشنامه ای بقلم ولتر بنام Mahomet در پاریس منتشر شد، که در سال ۱۷۹۹ توسط گوته به آلمانی ترجمه شد. خود گوته نیز در سال ۱۷۷۵ نمایشنامه منظومی در سه پرده بنام Mahomet تنظیم کرد که چاپ شد، ولسی آن

۱ - در باره محمد

محمد پیامبر، زندگی و کیش او Mohammed der Prophet. Seine Leben und seine lehre تألیف Gustav Weil محقق آلمانی، چاپ اشتوتگارت، ۱۸۴۳.

انتشار این کتاب آغازگر دو قرن بررسیهای علمی در باره زندگی و آیین محمد از نوع بررسیهای علمی مشابهی بود که در همین دوران در باره دیگر مذاهب بزرگ یهودی و مسیحیت و زرتشتی و بودایی و میترائی و مانوی و بنیانگذاران آنها در جهان غرب صورت گرفته است و همچنان نیز ادامه دارد. در عین حال این اثر محقق آلمانی مقدمه ای بود بر اثر بزرگ نزدیک به سه هزار صفحه ای دیگر او در باره تاریخ خلافت که تاکنون بهترین اثر نوع خود به شمار آمده است. این دو اثر «ویل» را میتوان پایه گذار مکتب تحلیل علمی تاریخ پیدایش اسلام و تحولات آن دانست.

نیز مانند اثر ولتر به روی صحنه نیامد. این دو اثر صرفاً جنبه فلسفی و ادبی دارند و آثار تحقیقی بشمار نیامده اند.

۱ - از نظر تقدم تاریخ انتشار، منطقاً میباید دو اینجا از کتاب Heroes, Hero-Worship and the Heroic in History (قهرمانان، کیش قهرمانی و قهرمان روشی در تاریخ) اثر معروف Thomas Carlyle متفکر و نویسنده قرن نوزدهم اسکاتلندی (۱۷۹۵-۱۸۸۱) یاد شده باشد که در سال ۱۸۴۱ در لندن منتشر شد، و فصلی از آن که شامل تجلیل کم سابقه ای از پیامبر اسلام است از همانوقت در جهان اسلام بازتاب گسترده ای یافت. ولی لازم به تذکر است که این کتاب یک اثر تحقیقی و علمی نیست، بلکه یک برداشت فلسفی و اجتماعی خاص از تاریخ است که بموجب آن سرنوشت تاریخ بشر و تمدنهای آنرا پیش از هر عامل دیگر مردانسی بزرگ در مقام رهبران تاریخ رقم میزنند، و در این جمع کارلایل محمد را همانند کسان دیگری چون لوتر و کرمول و فردریک کبیر و ناپلئسون یکس از این رهبران تاریخ ساز دانسته است. تذکر این نکته نیز در عین حال ضروری است که این تجلیل فقط شخص محمد و قدرت رهبری او را شامل میشود و نه آیین او را، زیرا که

محمد و مبانی اسلام Mahomet et les origines de l'Islam تألیف

Ernest Renan محقق فرانسوی، چاپ پاریس، ۱۸۵۱.

این تحقیق در آغاز بخشی از کتاب بزرگ «تاریخ مبانی مسیحیت» ارنست رنان را تشکیل میداد، ولی بعداً بصورت جداگانه توسط مجله معروف *Revue des deux mondes* بچاپ رسید. نحوه ارزیابی فیلسوف و روشنگر برجسته فرانسوی (عضو آکادمی فرانسه، رئیس و استاد زبان عبری کلژ دو فرانس) از بنیانگذاری اسلام توسط محمد کمابیش همان نحوه ارزیابی او از بنیانگذاری آئین مسیحیت بدست عیسی در اثر معروف «زندگی مسیح» او است، با این تفاوت که او به موضوع اندیشه های سامی و آریایی در ارزیابی مربوط به اسلام توجه بیشتری نشان داده است. در این هر دو مورد وی هیچ نقشی واقعی برای جنبه های مافوق الطبیعه و معتقدات تلقینی قائل نشده است.

زندگانی محمد The Life of Mahomet تألیف Sir William Muir

محقق انگلیسی، در چهار جلد، چاپ لندن، ۱۸۵۸-۱۸۶۱.

کتابی راهگشا از یکی از برجسته ترین محققان اسلام شناس قرن نوزدهم انگلستان، که در آن به شیوه تاریخ نگاران بزرگ جهان مسلمان جریان وقایع سالهای شکل گیری اسلام در عربستان و بعد از آن بصورت زمان بندی شده و سال به سال مورد تحلیل قرار گرفته است. اهمیت خاص این کتاب نوآوری های آن در تجزیه و تحلیل علمی حوادث و تحولات است که از این لحاظ میتوان آنرا زمینه اساسی کار لئون کانتانی در تدوین «سالنامه های اسلام» دانست.

کارلایل در چند جای دیگر نسبت به قرآن و محتوای آن نظراتی نامساعد ابراز میدارد. فصل محمد کتاب کارلایل با عنوان «محمد الهدی والرحمه» به عربی و از عربی توسط حاجی میرزا ابوعبدالله زنجانی به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۱۵ با عنوان «زندگانی محمد یا تاریخ حیات پیغمبر اسلام» در تبریز به چاپ رسیده است و بعد از آن نیز پنج بار دیگر با مقدمه و اضافات حاج عباسقلی واعظ چرندابی تجدید چاپ شده است.

زندگانی و آیین محمد Das Leben und die Lehre des

Mohammed تألیف A. Sprenger محقق اتریشی، در سه جلد، چاپ برلین، ۱۸۶۱-۱۸۶۹.

کتاب «کلیدی» دیگری از یکی از پژوهشگران برجسته نیمه قرن نوزدهم اروپا در رشته مطالعات اسلامی. این کتاب همپای دو کتاب Grimme و Weil از کتابهای کلاسیک مکتب اسلام شناسی آلمان در سالهایی بشمار میروند که آلمان «لابراتوار خاورشناسی اروپا» نام گرفته بود. اشپرنگر بخلاف عقیده سنتی در باره بیسوادی محمد، معتقد است که او نه تنها از سواد کافی بلکه از آگاهی های تاریخی و مذهبی کافی نیز برخوردار بوده است، که با توجه با خانواده ای که در آن پرورش یافته، و اینکه بیوه ثروتمندی او را به مباشرت امور بازرگانی خود برگزیده است امری منطقی مینماید. از دیگر نظرات اشپرنگر اینست که ساختن خانه کعبه بدست ابراهیم و فرزندش اسماعیل توسط خود محمد مطرح شد تا از این راه اسلام از یهودیت بطور قاطع جدا شود، و تا پیش از آن صحبتی از این موضوع در میان نبود.

اشپرنگر که در عین حال پزشک برجسته ای بود، موضوع دریافت وحی را از جانب محمد به نوعی بیماری صرع او مربوط میداند که در آن اندیشه ها و خواسته های نادانسته خود او بصورت الهامی از بیرون منعکس میشد، ولی بخلاف کسانی دیگر آنها را صحنه سازی نمیداند. در این راستا فی المثل وی مینویسد که هیچیک از دیگر متون مقدس مشرق زمین موردی نمیتوان یافت که اتفاق کاملاً شخصی و زودگذری چون علاقه پیامبر به همسر پسر خوانده اش زید و نزول وحی هایی در جهت ارضای خواست او موضوع آیه هایی قرار گرفته باشد که مسلمانان بعدی تا پایان جهان آنرا بصورت متن مقدسی بخوانند و تکرار کنند.

زندگانی محمد Das Leben Mohammad تألیف Theodor

Nöldeke محقق آلمانی، چاپ هانوفر، ۱۸۶۳.

رشته تخصصی نولدکه - یکی از سه پژوهشگر درجه اول

مطالعات اسلامی در اروپای دو قرن گذشته - بررسیهای مریوط به قرآن است، و کتاب زندگانی محمد او که سه سال بعد از انتشار نخستین متن «تاریخ قرآن» وی بچاپ رسید در واقع مقدمه ای بود که مؤلف کتاب *Geschichte der Qoran* ارائه آنرا برای آگاهی خوانندگان کتاب خود ضروری دانسته بود. این کتاب بصورت بخشی از *Orientalische Skizzen* نولدکه منشر شد.

زندگانی محمد *Hubert Muhammed. Das Leben* تألیف *Grimme*، چاپ مونستر، ۱۸۹۲.

انتشار این کتاب بحث انگیز، نقطه عطفی در تاریخ مطالعات مربوط به ظهور و تکامل آئین اسلام است. «گریمه» در این اثر - که کائتانی آنرا جالبترین کار تحقیقی اروپای قرن نوزدهم در رشته بررسیهای اسلامی دانسته است - نه تنها بسیاری از معتقدات سنتی پذیرفته شده و جاافتاده تاریخ نویسان قرون گذشته جهان مسلمان، بلکه نظرات مورخان و محققان غربی گذشته را نیز در باره تحولات صدر اسلام و جهانگشایی های اسلامی به پرسش گرفته و پاسخهای تازه ای بدانها داده است که بعداً موضوع بررسیهای گسترده تر پژوهشگرانی چون کائتانی و بکر قرار گرفت و به تکمیل و تأکید آنها انجامید.

گریمه برای نخستین بار جنبش اسلامی محمد را بیشتر از جنبه مذهبی آن، از جنبه اجتماعی مورد تحلیل قرار داده و با تشریح شرایط اقتصادی نامطلوب جامعه مکی در دوران محمد که بر اثر تغییر شرایط سنتی بازرگانی خارجی حجاز این جامعه را بصورت جامعه ای دو قطبی مرکب از اقلیتی بسیار ثروتمند و اکثریتی محروم و تنگدست درآورده بود و امکان همه گونه فشار ظالمانه را از جانب توانگران قریش بدین توده ها میداد، نتیجه میگیرد که نهضت اسلامی محمد بیش از هر چیز جنبه یک جنبش سوسیالیستی بمفهوم امروزی آنرا داشت و اصول مذهبی آن نیز بخصوص بر این زیربنای اجتماعی شکل گرفته بود. نظرات گریمه در دوران او بحثهای فراوانی را میان طرفداران و مخالفان این ارزیابی برانگیخت.

زندگانی محمد *La vie de Mahomet*، نوشته E. Dermenghem، چاپ پاریس، ۱۹۲۹. ترجمه انگلیسی چاپ نیویورک، ۱۹۳۰؛ ترجمه ایتالیایی چاپ میلان، ۱۹۳۳؛ ترجمه اسپانیایی چاپ بارسلونا، ۱۹۴۲.

این کتاب بمناسبت سادگی و روانی آن از هنگام انتشار با استقبال بسیار مواجه شد. در برداشتهای آن ویژگی خاصی دیده نمیشود، ولی چگونگی ارتباط حوادث با یکدیگر و مقاطع اساسی دوران شکل گیری اسلام که بر آنها تکیه خاص نهاده شده است تازگی دارد. فصول ۲۴ گانه کتاب با سلمان فارسی و عام الفیل و خدیجه آغاز میشود و با ماجراهای مدینه النبی و تحولات مربوط به یهودیان و مسیحیان و داستان زینب همسر زید و عایشه ادامه مییابد و سرانجام با حجة الوداع و مرگ نابهنگام محمد و آشفتگی هایی که در انتظار خلافت بود پایان میپذیرد.

محمد، زندگی و آیین او *Mohammed, hans liv och hans tro* نوشته Tor Andrae محقق سوئدی، چاپ استکهلم، ۱۹۱۸، ترجمه آلمانی با عنوان *Mohammed, sein Leben und sein Glaube* چاپ گوتینگن، ۱۹۳۲؛ ترجمه اسپانیایی چاپ مادرید، ۱۹۳۳؛ ترجمه ایتالیایی چاپ رم، ۱۹۳۴؛ ترجمه انگلیسی چاپ لندن، ۱۹۳۶؛ ترجمه فرانسوی چاپ پاریس، ۱۹۴۵. از همین محقق *Der Ursprung des Islams und das Christentum* (ریشه های اسلام و مسیحیت)، چاپ اوپسالا، ۱۹۲۶ و *Die Person Muhammed* (شخصیت محمد)، چاپ اوپسالا، ۱۹۳۹.

انتشار کتابهای سه گانه تور آندره، استاد دانشگاه اوپسالا سوئد، از طرف عموم خاورشناسان نقطه عطف دیگری در تاریخ مطالعات اسلام شناسی اروپا به حساب آمده است. وجه مشخص این هر سه بررسی، بازسازی دقیق محیط اجتماعی و جو مذهبی و شرایط اقتصادی و فرهنگی عربستان قرون ششم و هفتم میلادی است که اسلام در آن پا به وجود گذاشت، و از خلال آن میتواند به بسیاری از پرسشهایی که برای یک انسان قرن بیستم یا آغاز هزاره سوم مطرح

میشود پاسخ داده شود. مؤلف بر این عقیده است که محمد واقعاً آنچه را که وحی های او نامیده شده است، در شرایط روحی و عصبی خاصی دریافت میکرد و بخلاف آنچه بسیاری در این باره اظهار نظر کرده اند این دریافت وحی صحنه سازی و تظاهر ساده ای نبود، هر چند که خود او نیز ریشه ای ماوراء الطبیعه برای آن قائل نیست. بخش بزرگی از دیگر بررسیهای او به دریافت های اسلام از جریانهای فکری و مذهبی دیگر و ارزیابی نحوه این دریافت ها اختصاص یافته است، که از آن میان توجه خاص نویسنده به تأثیر مانویت در شکل گیری اسلام شایان تذکر است، زیرا این بحث چندین صفحه تمام از کتاب او را شامل میشود. در باره داوری جهان غرب در مورد محمد، وی بسیاری از نقاط ضعف مختلفی را که عادتاً بدو نسبت داده میشود میپذیرد، ولی متذکر میشود که در مورد هر قضاوتی میباید شرایط فکری و اجتماعی زمان را در نظر گرفت و نه شرایط امروزی را، و در این راستا به عنوان یکی از دوست داشتنی ترین محاسن پیامبر اسلام بر این تأکید میگذارد که وی هیچگاه خود را فرد کامل و خطاناپذیری بشمار نیاورد و درست بعکس بارها کاستی های خود و اشتباه پذیریش را پذیرفت، امری که هرگز در مورد آنهایی که به جانشینی او نشستند اتفاق نیفتاد.

زندگانی محمد Muhammed liv تألیف Franz Buhl محقق دانمارکی، چاپ کپنهاگ، ۱۹۳۰. ترجمه آلمانی این کتاب توسط خود مؤلف Das Leben Mohammed، چاپ لایپتسیگ، ۱۹۳۱.

استاد دانمارکی در عین آنکه بسیاری از رویدادهای دوران مدینه زندگانی محمد را با دیده انتقادی ارزیابی میکند و آنها را نوعی قبول این اصل معروف جهان سیاست قرار میدهد که «برای رسیدن به هدف میتوان از هر وسیله ای استفاده کرد»، میکوشد تا غالب آنها را الزامی توجیه کند که بدو تحمیل شده است. فشرده ای از این کتاب توسط خود مؤلف در دائرة المعارف اسلام Encycloepadia of Islam (چاپ اول، ج ۳۰، ص ۱۹۳۶ به بعد) در مبحث قرآن بچاپ رسیده است.

بررسی تاریخی همه جانبه ای است در ریشه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی رویارویی دو واحد سیاسی بزرگ اروپا و آسیا در طول قرون وسطی که از نظر کلی در دو دنیای مسیحی و مسلمان متجلی شده است، و در ارزیابی آکادمیسین و استاد بلژیکی آغاز قرن بیستم، مظاهر بنیادی این دو جهان محمد در شرق و شارلمانی در غرب بودند. بخش نخستین این کتاب، که انتشار آن انعکاس فراوانی در اروپا یافت، به تحلیل جامعی از تحولات سیاسی و اقتصادی اروپای ژرمنی و رومی بعد از هجوم های معروف قبایل شمالی به امپراتوری رم و با توجه خاص به شرایط بازرگانی و دریائی دریای مدیترانه و نقش دولتهای نوحاسته در فرانسه و آلمان و بخصوص کلیسای مسیحیت و دربار مذهبی واتیکان در سالهای آغاز قرون وسطی اختصاص یافته است، و بخش دیگر آن به پیروزیهای برق آسای اعراب در خاور نزدیک و افریقای شمالی و شبه جزیره ایبریا و جنوب ایتالیا که عملاً ساختار سیاسی و اقتصادی اروپای شارلمانی را بهم میریزد و پرده آهنینی در دریای متوسط (مدیترانه) میان شرق و غرب میکشد که جز بندر قسطنطنیه (بیزانس) و چند بندر ایتالیایی (ونیز و باری و آملفی) همه این دریا در درون آن قرار میگیرد، و این وضع که قرنهای ادامه مییابد، غرب را که تا آنوقت عمدتاً با زندگی طفیلی یعنی با فرآورده های صادره از شرق مسیحی اداره میشد به بهره برداری مستقیم از منابع کشاورزی و اقتصادی خودش وامیدارد که سرانجام تحول فراگیر اقتصادی جهان غرب را بدنبال میآورد. کتاب محمد و شارلمانی با وجود گذشت زمان همچنان یکی از مراجع اساسی بررسیهای خاورشناسی بخصوص در رشته های اجتماعی و اقتصادی است.

مسئله محمد، بررسی تحلیلی در باره زندگانی بنیانگذار اسلام

Le problème de Mahomet ; essai de biographie critique du fondateur

de l'Islam تألیف Régie Blachère محقق فرانسوی و مترجم کسامترین
 ترجمه قرآن به زبان فرانسه، چاپ پاریس، ۱۹۵۲.

نویسنده کتاب از سرشناس ترین مترجمان قرآن در جهان غرب
 است و از این دیدگاه طبعاً صلاحیت بسیاری در بررسی تحلیلی زندگی
 و آیین محمد با توجه به آشنایی نزدیک خود با جزئیات آیات قرآنی
 دارد. با اینهمه وی، بطوریکه خودش نیز متذکر شده است شخصاً پیرو
 هیچ مذهبی نیست و شاید بهمین جهت بهتر توانسته است در باره
 نکات مورد نظر خود صرفاً از دیدگاه علمی و بسا موشکافی‌هایی
 انتقادی بررسی کند. این بررسی در هشت مبحث جداگانه با عناوین
 منابع اصلی و برداشتهای تکمیلی، مسئله زمان بندی (کرونولوژی)،
 گهواره اسلام، محمد پیش از پیامبری، آغاز دعوت در مکه و اعلام
 مبارزه با بت پرستی، شکست رسالت محمد در مکه و استقرار و
 تثبیت جامعه اسلامی در مدینه، سیر تحول اسلام مکی به اسلام
 مدنی، گسترش اسلام در عربستان و انجام برنامه اسلامی شدن آن در
 زمان درگذشت محمد، صورت گرفته است.

محمد در مکه Muhammed at Mecca و محمد در مدینه
 Muhammed at Medina، دو تألیف W. Montgomery Watt محقق
 انگلیسی، چاپ لندن، ۱۹۵۳ و ۱۹۵۶. ترجمه فرانسه بخش اول توسط
 ماکزیم رودنسن محقق فرانسوی، چاپ پاریس، ۱۹۵۸.

ترکیبی از محتوای این دو کتاب، بصورتی فشرده تر ولی همراه
 با بررسیهایی تازه، در سال ۱۹۶۱ در کتاب دیگری بنام «محمد،
پیامبر و دولتمرد» Muhammed, Prophet and Statesman در لندن
 منتشر شد. در سال ۱۹۶۸ کتاب چهارمی در همین راستا با عنوان
 «اسلام چیست؟» What is Islam از همین محقق در لندن بچاپ رسید.

دو کتاب محمد در مکه و محمد در مدینه از زمان انتشار خود
 کتابهایی کلاسیک در این رشته تلقی شده اند. ویژگی این هر دو کتاب
 تحلیل همه جانبه ای از تفاوت‌های دو دوران مکی و مدنی پیامبر اسلام
 در ارتباط با شرایط مختلف قبیله ای و اجتماعی و اقتصادی و

فرهنگی کاملاً متفاوت این دو شهر و تأثیر آن‌ها در شکل‌گیری کلی اسلام و در همه تاریخ بعدی آن است. در کتاب *سومی بر نقش عمدتاً سیاسی و بسیار کمتر مذهبی محمد در مدینه*، و در کتاب *چهارم به جامعه‌شناسی اسلامی در صدر اسلام و در طول تاریخ آن تا به امروز* تکیه نهاده شده است.

در میان پژوهشگرانی که زندگانی محمد را موضوع تحقیقات خود قرار داده‌اند، *مونتگومری وات* که خود شخصیتی روحانی است برداشتی مساعدتر از غالب محققان دیگر در مورد وی دارد. بخصوص در تحلیل دوران مکی او بر این تأکید می‌گذارد که محمد به عوامل بنیادی تشنج‌های اجتماعی و ناآرامی‌های زمان خود در جامعه مکه پی برده بود و بهمین جهت موفق شد ایسن بحران را در چهارچوب مشخصی قرار دهد و بر مبنای آن یک رهبری مافوق‌قبیله‌ای در عربستان بوجود آورد که در نهایت برای همه قابل قبول باشد.

محمد و قرآن، زندگینامه تحلیلی پیامبر اسلام و ارزیابی‌هایی از پیام او *Mahoma y el Korán. Biografía crítica del Profeta y estudios de su mensaje*، تألیف *Rafael Casinos-Assens* محقق اسپانیایی، چاپ بوئنوس آیرس، ۱۹۵۴.

اثر تحلیلی جامعی از کشوری اروپایی است که هشتصد سال تمام پیوند بسیار نزدیکی با جهان اسلام داشته است. بهمین جهت تحلیل محقق اسلام‌شناس برجسته قرن بیستم اسپانیا در این راستا برخلاف دیگر همکاران غربی او مایه زیادتری از عوامل احساسی و عاطفی دارد.

محمد، شخصیت او و پیام او: تولد جهان مسلمان *Mahomet, l'homme et son message; naissance du monde musulman*، تألیف *Maurice Gaudefroy-Demombynes* محقق فرانسوی، چاپ پاریس، ۱۹۵۷.

انبوهی است از تقریباً همه مدارک و اطلاعاتی که گردآوری

آنها در زمان مؤلف امکان داشته است. این کتاب قطور حاصل بیست سال کار دانشمند و پژوهشگر سرشناس قرن بیستم فرانسوی است، با این ویژگی که این مدارک عمدتاً بر منابع سنتی متکی هستند و نوآوری تحقیقی خاصی در آنها نمیتوان یافت، و اصولاً اینکار برای مؤلف امکان پذیر هم نبود، زیرا هنگام انتشار آن در سال ۱۹۵۷، وی ۹۴ سال داشت.

محمد Mahomet، تألیف Maxime Rodinson محقق فرانسوی، چاپ پاریس، ۱۹۶۱.

در این کتاب، یک مارکسیست سرشناس، و در عین حال یک کارشناس برجسته بررسیهای اسلامی، زندگی یک حماسه آفرین بزرگ (اصطلاح خود او) را از زمان گمنامی و یتیمی او تا زمان بنیانگذاری نخستین دولت متمرکز عربی در سرزمین قبیله ها و بادیه نشینان مرحله به مرحله در فصول مختلفی بنام زادگاه جغرافیایی اسلام، تولد یک پیامبر، تولد یک آیین، پیمبر مسلح، تولد یک حکومت، ارزیابی میکند و سرانجام آنها را با فصل پیروزی بر مرگ پایان میرساند. برداشتهای زیرینایی کتاب غالباً تازگی دارند و بخصوص تحلیل و تجزیه های اجتماعی و اقتصادی آن با نوآوری های بسیار همراه است، ولی در هیچیک این تحلیل ها جایی برای عوامل ماوراء الطبیعه منظور نشده است.

محمد Mahomet، تألیف Roger Arnaldez محقق فرانسوی، چاپ پاریس، ۱۹۷۵.

اثری است از یک استاد کهنسال و یک خاورشناس سابقه دار، که درست در جهت عکس «محمد» ماکزیم رودنسون توسط یک مسیحی معتقد و گاه متعصب، ولی منحصر بر اساس علمی و تحقیقی نوشته شده است. این کتاب به نوشته خود مؤلف آن معارضه ای میان مسیحیت و اسلام نیست، بلکه کوششی برای شناساندن عوامل پیدایش اسلام و چگونگی شکل گیری و نشو و نماي آن به خواننده ناآگاه یا کم